**بسم الله الرحمن الرحیم**

**جلسه49- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت ظن تاریخ: یکشنبه 8/10/96**

**حجیت ظن،**

**در کتاب منتقی الاصول ج4ص213 به بعد بحثی در مورد فرمایش میرزای قمی در تفصیل بین من قصد افهامه و من لم یقصد افهامه مفصل وارد بحث شده اند. من فرمایش این بزرگوار را با توضیح خودم و اضافاتی که لازم است بیان می کنم.**

**من از فرمایش ایشان این طور استفاده می کنم که اصل تفصیل میرزا را بین مقصود به افهام با غیر مقصود به افهام با تقریر خاص خودشان می پذیرم ولی در عین حال آن نتیجه ای را که مرحوم میرزا می گیرد و آن عدم حجیت روایات برای ماست این را از میرزا قبول نمی کنم. باید دید چطور با اینکه ما مشافه نیستیم مخاطب نیستیم مقصود به افهام امام ع نیستیم اما در عین حال روایات موجوده می تواند برای ما هم حجت باشد پس باید به نظر ما فرمایش ایشان را در دو مرحله توضیح دهیم یکی اینکه چرا تفصیل منصوب به مرحوم میرزای قمی تفصیل درستی است. این را درست کنیم تا بعد ببینیم نتیجه ای که میرزا می خواهد بگیرد قابل قبول است یانه.**

**اما نتیجه ای که باید در مرحله ی اول گرفت: مقدمتا جلسه ی اول هم اشاره کردم. ما یک مدلول تصوری داریم که برخواسته ی از وضع است. یک مدلول استعمالی داریم که باید گوینده ی با عقل و درایت و شعوری را فرض کنیم و یک مدلول جدی داریم که بیانگر مراد جدی گوینده است. حالا اگر متکلم در مقام بیان مرادش باشد که فرض بحث ما چنین جایی است که متکلم در مقام بیان مراد هست در مقام تفهیم هست و در عین حال قرینه ای بر خلاف ظاهر لفظ بیان نکرده است، باید بگوییم این ظاهر در حق او حجت است چون اگر حجت نباشد، خلف لازم می آید. فرض بحث این است که در مقام تفهیم است و می توانند قرینه اقامه کند به اینکه مرادم ظاهر نیست. وقتی در مقام تفهیم است در عین حال قرینه ای اقامه نمی کند پس ظاهر حجت است و اگر ظاهر حجت نباشد خلف است. حالا ما باید ببینیم این برهان خلف کجا می آید تا بگوییم برای اینکه خلف نباشد، باید ظاهر را حجت بدانیم. ایشان می خواهد بفرماید این برهان خلف فقط در حق مقصود به افهام است. برای آن مشافه و مخاطب است. اما برای ما که مخاطب نیستیم، خلفی لازم نمی آید. چه مانعی دارد امام ع خلاف ظاهر کلام را اراده کرده باشد، قرینه ای هم بوده که آن مخاطب می فهمیده اما آن قرینه بر ما مخفی است. به عبارت بنده آنچه که خلف آور است عدم نصب قرینه است برای مخاطبین و مقصودین به افهام اما برای ما که مقصود به افهام نیستیم لزومی ندارد قرائن معلوم باشد تا بگویید برهان خلف جاری است. «وعلیه فلا یمتنع أن ینصب المتکلم قرینه لایعرفها سوی من قصد افهامه که آن قرینه را غیر از مقصودین به افهام ندارد فلا یمکن لمن لم یقصد افهامه أن یحتج بکلام المتکلم علی تعیین مراده إذ لعله نصب قرینه خفیه علیه علمها المخاطب فقط هیچ مانعی ندارد متکلی قرینه بیاورد ولی آن قرینه را مخاطب بداند ما که غیر مخاطبیم ندانیم».**

**مثال عرفی آن : یک نواری از گفتگوی دو نفر پیش شما می آورند. شما احتمال می دهید این صحبت ها پیش زمینه هایی دارد. قرائنی دارد که این رائن بین این دو نفر بوده حالا نمی توانید شما که در جلسه ی گفتگو نبودید بگویید این نوار را شنیدم، این ظاهر کلام است و ظاهر حجت است. آنها لازم نبود قرینه ای اقامه کنند که من که نوار را می شنوم بدام. آنچه که خلف مقام تفهیم است این است که بین خودشان قرینه اقامه کنند نه برای ما. « وعلیه فالتفصییل متین کما عرفت».**

**إن قلت کما قال المحقق الخراسانی که ظواهر حجتند حتی برای کسانی که قصد عدم افهامشان هست. جایی کسی اقرار کرده که آن خانه مال زید است و طوری هم حرف زده که نمی خواهد خود زید متوجه این سخن بشود. یعنی قصد کرده عدم افهام زید را ولی زید می تواند بینه بیاورد که این آقا این حرف را گفته و حرفش هم ظاهر دارد و ظهور هم حجت است. پس ظواهر نه تنها برای غیر مقصودین به افهام حجت است بلکه حتی برای مقصودین به عدم افهام هم حجت است.**

**قلت: اینجا که گوینده می گوید این حرف را به زید نگویید من صاحب خانه نیستم ولی این را به او نگویید این مخفی کردن نشان می دهد مرادش ظاهر کلامش است قرینه داریم که مرادش ظاهر کلامش است و إلا اگر نمی خواست مخفی باشد یک جوری می گفت که مخاطب فهمد ولی زید نفهمد. این که مخفی می کند نشان می دهد که ظاهر مراد است. ما اینجا حرفی نداریم چون قرینه است که ظاهر مراد است. اما در مورد بحث ما صرف اینکه احتمال قرینه بدهید نمی توانید این احتمال را دفع کنید و ظاهر را در غیر مقصود به افهام حجت کنید.**

**اما در مقام دوم بحث: در عین حالی که باید تفصیل بین من قصد افهامه و لم یقصد را پذیرفت اما در عین حال نتیجه ی مرحوم میرزای قمی را قبول نداریم. بعباره اخری آنچه که مقصود اصلی میرزا بود محقق نمی شود چون امام ع حرفی را به زراره گفته قبول دارید که مقصود به افهام است و عالم به وجود قرائن است و ظاهر بر او حجت است. حالا زراره این را برای بعد از خودش نقل می کند. خب زراره که فقط نمی خواهد نقل الفاظ کند بلکه می خواهد نقل کند تا نفر بعدی عمل کند. پس زراره هم قصد تفهیم به نفر بعد را دارد. اینجا یا زراره قرینه ای را بر خلاف ظاهر می داند و عمدا بیان نمی کند این خلاف ورع و توثیق جناب زراره است. یا احتمال غفلت از ابراز قرینه است اینجا رجوع می کنیم به اصل عدم غفلت. همین طور هر راوی به نفر بعد که نقل می کند و قس علی هذا... . به این وسیله مسیر منتقی الاصول از مسیر میرزای قمی جدا می شود.**

**حال اگر فرض کنید الان نوار گفتگوی زراره و امام ع را شنیدید اینجا برای شما حجت نیست چون ممکن است قرینه ای بین زراره و امام ع بوده .**

**در منتقی الاصول بحث تقطیع و اینکه شاید این برشها و تقطیع ها باعث شود که قرائنی از دست ما برود، صدر کلام قرینه ی زید یا ذیل قرینه ی صدر کلام باشد، حالا که بریده شده دیگر ما اطلاع نداریم اساسا وارد این بحث نشده. شاید اکتفا فرموده به همان چیزی که دیروز از مرحوم آقای خویی در مصباح الخویی نقل کردیم.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**